

ادامه از صفحه ۵

رئیس‌جمهور و اقتصاد کشورهای نوظهور

فرصت‌های اقتصادی که شانگهای روی اقتصاد ایران به‌وجود می‌آورد را می‌توان مشتتمل بر حفظ و گسترش بازار مصرفی بزرگ و بیدوام برای نفت و صادرات نفتی و رفع نیازهای تکنولوژیکی و منابع مالی برای توسعه صنعتی، با توجه به ظرفیت کشورهای عضو، بهره‌گیری از قدرت و توان اقتصادی و ظرفیت‌های کشور چین به‌مثابه پل ارتباطی میان شرق و جنوب‌شرق آسیا، گسترش همکاری‌ها در بستر متنوعی از همکاری‌ها نظیر انتقال خطوط مخابراتی، حمل‌ونقل کالا و ترانزیت انرژی، ایجاد رویه‌ای به‌منظور مبادله آزاد کالا و دستیابی به توافق‌هایی در زمینه اعطای امتیازات و معافیت‌های مربوط به تعرفه‌های گمرکی، توسعه گردشگری و تبادل هیات‌های بازرگانی برشمرد.

همکاری و تعامل طرفینی با کشورهای بریکس نیز دارای اهمیت زیادی است. بریکس نام گروهی از رهبری قدرت‌های اقتصادی نوظهور است که به هم‌بهم پیوستن کشورهای عضو برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی تشکیل شده است. همه اعضای گروه بریکس به‌غیر از روسیه در رده کشورهای در حال توسعه یا اقتصادهای در حال ظهور هستند، اما عموماً به‌واسطه اقتصادهایی با رشد پرشتاب و فراگیر و نفوذ تأثیرگذار بر امور جهانی و منطقه‌ای از دیگر کشورها متمایز می‌شوند. بریکس نمایانگر نیچی از جمعیت جهان است و ۲۸درصد قدرت اقتصادی دنیا را در اختیار دارد. در سال ۲۰۱۲ ترکیب‌بندی اسمی تولید ناخالص داخلی این گروه، ۱۳۰۶ تریلیون دلار بوده است. هو جین‌تاؤ، رئیس‌جمهور چین معتقد است که گروه کشورهای عضو بریکس، حامی و ارتقادهنده وضعیت

کشورهای در حال رشد و نیرویی برای حفظ صلح جهان هستند. برخی صاحب‌نظران اظهار کرده‌اند، اگر ایران به این گروه از اقتصادهای سریع‌را در حال رشد بپیوندد، در آن صورت نام این گروه از BRICS به BRICS تغییر پیدا خواهد کرد و نه‌تنها عاملی تشدیدکننده در عنوان آن (به‌دلیل تکرار حرف «ا» به حساب خواهد آمد بلکه ظرفیت این اتحادیه را نیز افزایش خواهد داد. ایران ظرفیت‌های قابل توجهی برای عضویت در گروه کشورهای بریکس دارد. ایران علاوه‌بر نفوذ ژئوپلیتیک قابل توجه خود، دارای اقتصادی در حال رشد است و هر یک از اعضای «بریکس» در یکی از حوزه‌های سیاسی و اقتصادی در منطقه خود بازیگری عمده به‌شمار می‌آیند. بنابراین، می‌توان گفت گروه یادشده با پوشش دادن مناطقی مانند اوراسیا، آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین از ابعادی جهانی برخوردارست. اتحادیه اوراسیا در سال ۱۹۹۱ با عضویت کشورهای روسیه، بلاروس و اوکراین و سپس عضوشدن هشت کشور دیگر، شکل گرفت. در سال ۱۹۹۳ پس از عضوشدن کشور گرجستان، تعداد این کشورها افزیش یافت. اتحادیه اوراسیا نیز، جمعیتی معادل ۱۷۰ میلیون نفر را در برمی‌گیرد که ۸۴ درصد آن متعلق به روسیه است.

برای ایران به‌وجود آمده است. از سوی دیگر قرارگرفتن در منطقه‌ی هشت کشور شرق به موقعیت منحصربه‌فرد دیگری است که ایران از آن برخوردار است و با عضویت در این اتحادیه به‌لحاظ مسیر ترانزیتی موقعیت مناسبی برای ایران به وجود می‌آورد. بازارهای این اتحادیه همچنان بازاری رقابتی برای محصولات ایران به‌شمار می‌روند. ازاین‌رو برنامه‌ریزی برای حضور در بازارهای هدف سازمان همکاری شانگهای، اعضای گروه بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا با توجه به ظرفیت‌های اقتصادی کشورهای عضو به‌مثابه بازار صادراتی ایران و اهمیت برنامه‌ریزی برای ایفای نقش محوری توسعه‌محور شرق کشور می‌تواند امکان جذب سرمایه‌گذاری کشورهای آسیای میانه و روسیه و سایر این کشورها را فراهم کند تا در امور ترانزیتی و گمرکی بتوان زمینه توسعه صنایع وابسته به ترانزیت را هم فراهم کرد. به‌علاوه با مشارکت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داخلی و خارجی از جمله سرمایه‌گذاران کشورهای عضو این سه سازمان بین‌المللی می‌توان زمینه‌های لازم را برای تحقق نگاه برد- برد اقتصادی میان کشورهای ذی‌نفع به‌وجود آورد و این در حالی است که به‌زودی براساس گفته رئیس‌جمهور ایران در مجمع سران کشورهای صادرکننده گاز در آبان همین سال در تهران، میزان ابتکاری این کشورها برای «پیوند اقتصاد و انرژی» است.

خبر

مصرف برق از ۵۰ هزارمگاوات گذشت

● اوج مصرف برق کشور دیروز با افزایش پنج هزار مگاواتی نسبت به روز گذشته از مرز ۵۰ هزارمگاوات گذشت. این میزان در مقایسه با روز مشابه پارسال ۸۲۵۶ مگاوات افزایش یافته است. همچنین ذخیره نیروگاه‌های کشور به ۵۹۲ مگاوات رسیده است. صنایع کشور نیز دیروز سه هزارو ۲۳۳ مگاوات برق مصرف کرده‌اند.

ادامه از صفحه ۵

در این میان دارند با اینکه به‌گفته شما علت را درک نمی‌کنند؟

نمی‌توانم در این زمینه اظهارنظر کنم. خیلی از سیاست‌مداران گمان می‌کنند اگر بازار بسته باشد، به صنعت کمک می‌شود، درصورتی‌که به نظر من این‌طور نیست. دوران حمایت بلندمدت از صنعت سپری شده است. هم‌کنون اقتصاد روسیه، هند، چین و ترکیه هم باز شده است. یک سری از مسئولان و اقتصاددانان در ۳۵ سال گذشته زندگی می‌کنند و متأسفانه ذهنشان با اطلاعاتشان به نسبت حرکت قطار آزادسازی اقتصادی حرکت نکرده است.

● اگر تحریم برداشته و ارتباط با جهان برقرار شود، بیش از اینکه بخواهیم بخش‌های اقتصادی کشور آن قدر قدرت داشته باشند که وارد رقابت شوند، واردات به‌شدت افزایش پیدا می‌کند. این مسئله به تولید صدمه نمی‌زند؟

زمانی‌که تحریم‌ها برداشته شود مهم‌ترین اتفاق این است که جابه‌جایی پول به خارج از کشور آزاد خواهد شد. دوم اینکه اگر درآمد نداشته باشیم، نمی‌توانیم واردات کنیم. درحال‌حاضر صنعت صادراتی جدی به‌جز پتروشیمی نداریم پس نمی‌توانیم وارداتی بیش از صادرات داشته باشیم مگر اینکه قرض کنیم یا اگر پول نفتی باشد آن را صرف واردات کنیم. زمانی که تحریم‌ها رفع شود، کشور از یک مقدار پول بلوکه‌شده استفاده خواهد کرد. می‌توان این پول را برای واردات صرف کرد یا ماشین‌آلات خرید و صنایع را نوسازی کرد، اما بعد از آنچه خواهد شد؟ باید پول دربیآوریم تا واردات داشته باشیم.

بنابراین ممکن است امکان واردات زیاد شود اما معلوم نیست عملاً واردات هم زیاد شود. پس صادرات بر واردات مقدم است. آیا می‌توانیم خودرو صادر کنیم؟ مگر اینکه به پول نفت برگردیم؛ حدود ۳۰ سال قبل ۵۰۲ میلیون بشکه در روز نفت صادر می‌کردیم و الان اگر ۵۰۱ میلیون هم صادر کنیم خریدار ندارد. اکنون می‌توانیم حدود یک میلیون تا یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه صادرات نفت داشته باشیم که آن را نیز باید صرف سرمایه‌گذاری‌های بنیادی کنیم، چون درآمد نفت سرمایه است و همه نسل‌ها باید از آن بهره ببرند. درآمد نفت باید صرف سرمایه‌گذاری شود، اعم از اینکه از طریق دولت باشد یعنی بودجه‌های عمرانی یا از طریق بخش خصوصی.

● اگر اقتصادی سالم باشد صحبت شما کاملاً درست است اما در اقتصادمان گروه‌هایی را داریم که منافعی از واردات می‌برند که در دوران هشت‌ساله هم دیدیم واردات از طریق آنها افزایش پیدا کرد. بخشی شبه‌دولتی بودند و بخشی که می‌توانستند رانت‌جویی کنند. اینها نمی‌توانند با رفع تحریم‌ها به اقتصاد ما ضربه بزنند؟

اگر بخواهیم به ترتیب بگوییم، رانت‌جویان، قاچاقچیان و دزدها از این دسته‌اند که نام بردید. رانت‌جویان از محدودیت‌هایی که خود ما برقرار کرده‌ایم سود می‌برند. وقتی واردات اتومبیل آزاد نیست یا تعرفه بالا دارد، یک عده خاص مجوز می‌گیرند. عده‌ای که مجوز می‌دهند، ممکن است منحرف شوند. توجه داشته باشیم که هرچه نرخ تعرفه بالا باشد، سود بیشتری در آن نهفته است و می‌تواند مسئولان بیشتری را منحرف کند. و البته کم نیستند آنان که مجوز می‌گیرند و به‌دنبال استفاده از رانت‌اند و متأسفانه برخی از آنان آماده پرداخت هر رشوهای هستند. همیشه محدودیت، در یک جامعه ناسالم عامل ایجاد رانت بوده است. این شعرا را اصلی من است؛ برای مبارزه با فساد باید آزادسازی کرد.

منتها آزادسازی باید تدریجی انجام شود، چون در غیراین صورت، صنایع لطمه می‌بینند. در کنار آن، همه ما باید به صنایع کمک کنیم تا مقررات دست‌وپاگیرشان آسان‌سازی یا رفع شوند. صنایع ما در آیینی طولانی عادت کرده‌اند از طرف رانت بگیرند (رانت انرژی، زمین، برق و ارز ارزان) و از طرف دیگر هم یک‌سری مشکلات مثل قانون کار به آنها تحمیل شود. هم‌کنون اکثر صنایع ما دو تا سه برابر نیروی کار موردنیاز خود کارمند و کارگر دارند. این اتفاق هزینه تولید محصول را گران‌تر می‌کند و قیمت تمام‌شده را نیز بالاتر می‌برد. دوم اینکه تکنولوژی در این سال‌های اخیر رشد کسابقه‌ای کرده است و بنابراین کارکنان صنایع باید آماده کار با تکنولوژی‌های نو باشند ولی در ایران و در عمل این‌چنین نیست. اگر کارفرمایان سرمایه‌گذاری کافی روی ماشین‌آلات کنند، در آن صورت مجبورند با تکنولوژی پیشرفته‌تر و با تعداد کمتری کارگر کار کنند بنابراین مجبورند بخش عمده‌ای از کارگران را اخراج کنند. به‌علاوه در دوران دولت قبلی درآمد سرشار نفتی داشتیم که آن دوران احتمالاً تکرار نخواهد شد. بنابراین در آینده مجبور خواهیم بود درآمد‌ها صادراتی را صرف واردات کنیم.

● تکلیف این فرد که می‌کار می‌شود چیست؟ باید به آنان بیمه بی‌کاری یا بازنشستگی پرداخت شود. ما که نمی‌خواهیم چرخ را از نو اختراع کنیم. مثلاً یک تولیدکننده نساجی می‌گوید دولت من را مجبور کرده است با این قانون کار، فعالیت کنم که مفهوم آن چنین است که نمی‌توانم کارگران نامناسب را عوض یا حتی اخراج کنم. در نتیجه هزینه تمام‌شده بیشتر است و نمی‌توانم صادرات

اقتصاد

ریشه فقر مردم در سیاست‌های نامناسب نهفته است



عکس رونق‌ رستنی، شرق

به وظیفه‌اش عمل کرده و اولویت‌بندی کند. دولت نباید از بنگاه‌ها انتظار داشته باشد که برای جلوگیری از افزایش بیکاری، کارگران مازاد را حفظ کنند و علاوه بر آن برای افزایش رشد اقتصادی به صادرات دیگر کشورها انجام می‌شود. در هیچ کجای دنیا، نیست. از دید من حتی اگر دولت قرض کند و پول این نیروها را بدهد، بهتر از ناکارکردن صنعت است. این مسیر برای کل جامعه نیز بهتر است. منافع اشخاص خاص در این میان مطرح نیست. هم‌اکنون صنعت نساجی به تعرفه بالا عادت کرده، درنتیجه کشور صادرات ندارد در صورتی که صنعت نساجی می‌تواند صنعت مزیت‌دار کشور باشد، همان‌طور که در چین این اتفاق افتاده است. اگر نیروی کار ما درست کار کند، هنوز هم نسبت به کشورهای اروپایی ارزان است. مهندسان ما با همین وضعیت، بسیار ارزان‌تر از جاهای دیگر دنیا هستند. اگر این صنعت رشد کند، می‌تواند صادرات داشته باشد و مالیات بیشتری بپردازد تا دولت بتواند این مالیات را صرف هزینه‌های خود کند. دیگر کشورها نیز به‌تدریج پیش رفته و مسائل را حل‌وفصل کرده‌اند،

اما در کشور ما، مشکلات انباشته شده و البته نمی‌توان همه را به یک‌باره حل کرد. بخواهیم در این دنیای پررقابت فعال باشیم و از مزیت‌های بی‌شمارمان استفاده کنیم، باید دست‌وپای صنعت را باز کنیم. وگرنه «صنعت»، «صادرات» و «درآمد دولت» همه را با هم خفه کرده‌ایم. همه ما در مقابل نسل آینده می‌مسئولیم. موظف هستیم راه درست را انتخاب کنیم.

● رانت‌جویان از محدودیت‌هایی که خود ما برقرار کرده‌ایم سود می‌برند. وقتی واردات اتومبیل آزاد نیست یا تعرفه بالا دارد، یک عده خاص مجوز می‌گیرند. عده‌ای که مجوز می‌دهند، ممکن است منحرف شوند. توجه داشته باشیم که هرچه نرخ تعرفه بالاتر باشد، سود بیشتری در آن نهفته است و می‌تواند مسئولان بیشتری را منحرف کند

● اگر دولت این کار را انجام دهد، بنگاه‌ها امکان رقابتی‌شدن ندارند و بنابراین رکود بر اقتصاد حکمفرما می‌شود و یادمان نرود در محیط رقابتی که بعد از رفع تحریم‌ها برقرار می‌شود، اگر بنگاه‌ها نتواند به‌صورت رقابتی کالا تولید کند، ورشکست می‌شود. تکرار می‌کنم اگر در آینده قیمت‌های داخل کشور به دلیل تعرفه‌های بالا بیشتر از بازارهای همجوار باشد قاچاق، صنایع داخلی را نابود خواهد کرد.

● یعنی عده‌ای باید این وسط قربانی شوند؟ اگر دولت به این وظیفه عمل نکند صنعت قربانی می‌شود. ما طالب رشد هستیم یا نه؟ اگر دولت این کار را انجام ندهد، صنعت را جریمه می‌کند؟ در همه جای دنیا بنگاه‌ها مالیات می‌پردازند تا دولت وظایفش را انجام دهد. در ایران به دلیل شرایط بعد از انقلاب، وظایف و همچنین اختیارات به هم ریخته است. باید سعی کنیم وظایف و اختیارات به جای خود بازگردد. هزینه‌های آزادسازی را باید دولت با جابک‌سازی خود جبران و مقداری از آن را بین تولیدکننده و مصرف‌کننده توزیع کند. تا‌به‌حال این‌گونه هزینه‌ها را عموماً بر مصرف‌کننده تحمیل کرده‌ایم. ریشه فقر مردم عمدتاً در سیاست‌های نامناسب دولت نهفته است.

● دولت را می‌توان جریمه کرد؟ دولت وظیفه‌اش را به‌درستی انجام نمی‌دهد و مردم و صنعت را جریمه می‌کند، در شرایط به‌هم‌ریخته سالیان گذشته چنین جزئیاتی مورد توجه نبود. ولی در شرایط جدید باید به دولت هشدار داد با این‌کار، هزینه تمام‌شده تولید بالا می‌رود و محصول گران می‌شود به‌خصوص که اعمال مدیریت مدرن در بنگاه غیرممکن می‌شود و فشار گرانی محصول بر مصرف‌کننده تحمیل می‌شود. دوم اینکه صادرات انجام نمی‌گیرد، سوم، تکنولوژی رشد نمی‌کند. پس دولت باید مجبور شود

نمی‌شوند. اول باید تعرفه را کم و بعد کمک کرد تا بنگاه‌های مزیت‌دار سرپا بمانند. البته برخی از بنگاه‌ها هم ممکن است به دلیل نداشتن مزیت یا به دلایل دیگر چون نداشتن مدیریت مناسب ورشکست شوند. باید به این نوع بنگاه‌ها کمک کرد تا از امکاناتشان استفاده کرده و کار دیگری را شروع کنند. اگر توانیم اوضاع را سریع‌تر سروسامان دهیم، کالای قاچاق زیاد شده و رانت‌خواران پول‌دارتر می‌شوند. در حال حاضر گفته می‌شود حدود ۲۰ میلیارد دلار قاچاق صورت می‌گیرد که معادل صادرات کالایی سال گذشته کل کشور است. با این میزان قاچاق هر سال حداقل چند صد نفر مولتی‌میلیاردر تولید می‌کنیم. برای اینکه رانت را از بین ببریم، باید کمک کنیم تا آزادسازی انجام شود.

● پیشنهاد شما برای رفع بیکاری کنونی چیست؟

در چند ماهی که تا رفع عملی تحریم‌ها وقت داریم، باید به‌سرعت سرمایه‌گذاری را تشویق کنیم. تنها راه ایجاد اشتغال، سرمایه‌گذاری است. برای سرمایه‌گذاری هم باید اول ایرانی‌های داخل کشور را راضی کرد، بعد ایرانی‌هایی که در خارج از کشور هستند و در مرحله بعد باید سرمایه‌گذاران خارجی را جذب کرد. در حال حاضر، همه انتظار دارند با برداشته‌شدن تحریم‌ها عده‌ای چشم‌آبی برای سرمایه‌گذاری هجوم می‌آورند؛ این انتظار اصلاً درست نیست. گروه‌هایی هم که مرتب برای مذاکره به ایران می‌آیند، عموماً فروشنده هستند و قصد سرمایه‌گذاری ندارند. هرچند این نیت هم می‌تواند به‌نفع اقتصاد باشد. مگر می‌شود من و شما حاضر نباشیم سرمایه‌گذاری کنیم، ولی خارجی‌ها این کار را انجام دهند؟ اول باید ایرانی‌ها را راضی به سرمایه‌گذاری کنیم. ایرانی‌ها به اندازه کافی امکانات سرمایه‌گذاری دارند. در حال حاضر شاید به سرمایه خارجی احتیاج مبرمی نباشد. اما احتیاج به همکاری با سرمایه‌گذار خارجی وجود دارد، زیرا فقط مسئله جذب منابع مالی نیست. مسائل همچون تکنولوژی، مدیریت و دسترسی به بازارهای صادراتی نیز باید همراه با سرمایه‌گذاری به کشور بیاید. در عصر کنونی، بازارها در دنیا به نوعی تقسیم شده‌اند.

اگر بتوانیم اتومبیل خوب و ارزان تولید کنیم، قرار است به کجا بفروشیم؟ باید با تولیدکننده آمریکایی، فرانسوی یا کروی یا با همه آنها همراه شویم، مثلاً آسیای میانه و قفقاز که کشورهای بدون راه به دریا و به‌اصطلاح بسته هستند، به اتومبیل بسیار زیادی نیاز خواهند داشت که ما می‌توانیم با شرکت با یک شرکت خارجی تأمین‌کننده آن شویم. همین‌طور برای صدور لوازم خانگی و ورود به بازارهای واردکننده، باید با عده‌ای شرکتی شویم که آنها به ما کمک کنند. اگر بخواهیم اولویت‌بندی کنیم، اول باید به کارخانه‌هایی که داریم، کمک کنیم تا صادرات کنند. ممکن است تعدادی از کارگرهای این کارخانه‌ها تعدیل شوند. دولت باید این افراد را حتی به شرط قرض‌کردن پوشش دهد. در مرحله بعد باید سرمایه‌گذاران را به سرمایه‌گذاری تشویق کنیم تا سرمایه‌گذاری کرده و تکنولوژی‌اش را ارتقا دهد یا یک کارخانه دیگر راه‌اندازی کند و نیروهای تعدیل‌شده را به‌کار دعوت کند. در این فاصله نیز لازم است این نیروها را آموزش دهیم تا بتوانند با سیستم‌های جدید کار کنند.

● این یک برنامه بلندمدت است و دولت‌ها در این مدت تغییر می‌کنند. دولت‌های بعد به این روند پایبند خواهند بود؟

هیچ راهی به جز این نیست، زیرا فرایند جذب سرمایه یک‌باره و یک‌شبه اتفاق نمی‌افتد. در شرایط فعلی کشور، حتی سرمایه‌گذار خارجی هم می‌تواند بعد از رانت‌ها استفاده کند. مردم بازارهای بسته و قیمت در داخل کشور از قیمت‌های جهانی بالاتر بوده درنتیجه از قیمت‌های بالا استفاده می‌کنند. هم‌اکنون نیز بسیاری از سرمایه‌گذاران خارجی به‌منظور استفاده از قیمت‌های بالا و رانت، حاضر به سرمایه‌گذاری در کشور ما هستند. اگر قطار آزادسازی با سرعت ۵۰ کیلومتر حرکت می‌کند، ما باید با سرعت صد کیلومتر حرکت کنیم که بتوانیم به آن رسیده و تأخیر خود را جبران کنیم وگرنه همیشه ۳۰ سال عقب‌تر خواهیم بود. باید سرعت را زیاد کنیم، هر چند در این میان ممکن است تلفات هم بدیهیم. به جای اینکه همه مردم فقیر باشند، عده‌ای مشکل پیدا می‌کنند که البته می‌توان برای رفع مشکل آنها نیز برنامه‌ریزی کرد. چرا همه را فقیر کنیم؟ با کاری که ما درحال‌حاضر انجام می‌دهیم، همه را فقیر می‌کنیم، زیرا اولاً مصرف‌کننده مجبور است کالای گران‌تر را بخرد، دوم اینکه صنایع ما نمی‌توانند صادرات کنند چون رقابتی نیستند و بالاخره دولت نمی‌تواند درآمد خود را افزایش دهد، زیرا پایه مالیاتی یعنی درآمد مردم افزایش نیافته است و بنابراین رشد در GDP نخواهیم داشت.

در چند سال گذشته GDP کشور هم بدون در نظرگرفتن صادرات نفت در اقتصاد ایران، کاهش پیدا کرده است. با آمدن آقای روحانی انتظارات خیلی بهتر شده که این امر را خیلی مثبت می‌دانم، اما آقای روحانی تا به حال به‌دنبال حل‌کردن مسائل بین‌المللی کشور بود، و کمتر به مسائل اساسی اقتصاد پرداخته است. این راه درست بود، زیرا تا مسئله بین‌المللی با مذاکرات و تعامل حل نشود، هیچ‌کدام از اهداف موردنظر ما نتیجه نخواهد داد. باید سدی که وجود دارد و می‌دانیم بدون اعمال فشار، حرکت جدی اقتصادی را شروع کنیم.

ادامه از صفحه ۵

حلقه اصلی نظام تدبیر و عقلانیت

هر چند قوانین موردی و موازی مانند «قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت» و اخیراً «قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)» بر بخش‌هایی از قانون بودجه متمرکز شده ولی این امر باعث کم‌انرشدن برخی مواد قانون برنامه و بودجه شده است.

بررسی‌ها و نتایج اجرا نشان می‌دهد هر قانونی مالی که دست‌خوش تغییر شده، کارکردهای آن تضعیف شده است و هنوز نتوانسته‌ایم قانون جامع به‌هم پیوسته‌ای، که مورد وثوق همه باشد، درخصوص بودجه تنظیم کنیم. برنامه‌ریزان کشور به‌خصوص دولت قبل، برخلاف نگرش ماهوی به برنامه و بودجه، حجم زیاد صفحات کتب بودجه سننواتی را دلیل بر بزرگی و ناکارآمدی دولت و اقتصاد کشور تشخیص دادند و سر ازدهای دولت (تشبیه از اقتصاد دولتی) را نشانه رفتند و برای یک دهه، عقلانیت در کشور به بیهوشی عمیق رفت. هرچند هرساله بودجه کشور به مثابه ضرب و تقسیم‌های حسابداری تهیه و به مجلس ارائه می‌شد ولی نتایج آن بر اقتصاد کشور بر همگان آشکار شده است. غافل از اینکه سر ازدها را بریدن، یعنی مردن ازدها و در این‌صورت دیگر یک موجود مرده قادر به انجام هیچ کاری نیست چه برسد نقش یک دولت خوب را بازی کند. از طرفی، بودجه‌ریزی عملیاتی از برنامه سوم توسعه مورد توجه تکتوکرات‌های سازمان برنامه و بودجه قرار گرفت و توانستند مجوز اجرای این نوع بودجه‌ریزی را از مجلس وقت بگیرند و هر چند اجرای بودجه‌ریزی عملیاتی در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه لحاظ شد و همچنان در برنامه ششم توسعه هم لحاظ خواهد شد. ولی به‌دلیل فقدان سیستم‌های فنی و فکری لازم، هنوز کشور فاقد بودجه‌ریزی عملیاتی است. بودجه‌ریزی عملیاتی علاوه‌بر آنکه به‌شدت نیازمند مبحث فنی و زیرساخت‌های حسابداری صنعتی و سیستم بهای تمام‌شده کالاها و الگوریتم مستندسازی منسجم و منظم اداری و… است، از لحاظ فکری مستلزم بدیش و اجماع عملی و نه صوری و ارتقای فرهنگ اداری متاسب است. این نوع نگرش مبتنی بر اصلی‌ترین خروجی شیوه بودجه‌ریزی عملیاتی است که همانا اجرای آن منجر به شفافیت توزیع منابع و پاسخ‌گویی تضامنی در نحوه هزینه‌ها در کل کشور است. جای بهروزی است که دولت کنونی آنچنان بر اهمیت این‌س موضوع واقف بود که با وجود شروع فرایند احیای مبتنی بر آرامش و مدرانه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، چون می‌بایست به‌لحاظ قانونی سر موعد مقرر (۱۵ آذرماه هر سال) بودجه را تقدیم مجلس شورای اسلامی کند، همایش‌ها و آموزش‌های منظم بودجه‌ریزی عملیاتی را به اجرا درآورد. اثر چنین اقدامی مطابق طبیعت علم اقتصاد و خلاف فقهی مهندسی مبتنی بر نتیجه‌گیری بصری، در سال‌های آتی اقتصاد ایران نمایان خواهد شد. مثل آبی که بر زمین ریخته باشد و هم‌اکنون نیز آثار این اقدام مهم با کنترل و کاهش نرخ تورم، ثبات نسبی اقتصاد کشور و توقف افزایش هیجانی نرخ از نمایان شده است.

● کارشناس مسائل اقتصادی

خبر

شورای اقتصاد تصویب کرد

دریافت مابه‌التفاوت ۱۵۰ تومانی از واردات هر کیلوگرم گندم و جو

● فارس: شورای اقتصاد اخذ مابه‌التفاوت ۱۵۰۰ تمانه ۱۳ ماده ۱۱۳ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت بررسی و تصویب کرد. شورای اقتصاد در جلسه‌ای با موضوع اخذ مابه‌التفاوت از واردات گندم و جو در سال ۱۳۹۴ را بررسی و تصویب کرد. در این گزارش آمده: گمرک جمهوری اسلامی ایران نسبت به اخذ مابه‌التفاوت از واردات جو و گندم به ازای هر کیلوگرم هزارو ۵۰۰ ریال از زمان ابلاغ این مصوبه اقدام و به حساب درآمدی ۱۶۰۱۲۶ قانون بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور واریز نماید. زمان اجرای اخذ مابه‌التفاوت مزبور از واردات گندم تا پایان سال ۱۳۹۴ و جو تا پایان شهریورماه سال مزبور می‌باشد. سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان ضمن نظارت بر حسن اجرای این مصوبه، موظف است با واردکنندگان اقلام مذکور تصفیه حساب کند.

۱۰۰هکتار از شالیزارهای آمل خشک شد

● تابناک: مدیر جهاد کشاورزی آمل، از خشک‌شدن ۱۰۰ هکتار از شالیزارهای شهرستان خبر داد و گفت: پنج هزار هکتار نیز در معرض استرس هستند. سیدمرتضی امینی در جلسه اضطراری بحران آب کشاورزی شهرستان آمل گفت: با تشدید گرمای تابستان، عدم بارش باران در ماه‌های اخیر و پایین‌رفتن آب‌های سطحی، مشکل کم‌آبی جدی بوده و بخشی از زمین‌های کشاورزی شهرستان آمل در مناطق دشت سر و امامزاده عبدالله خشک و در وضعیت تنش کم‌آبی قرار دارد.